

بنیان‌شناسی دین‌گرایانه عدالت زبانی (در تکاپوی ارائه مدلی مبتنی بر نظام ارزشی اسلام)

سید مهدی الوانی* / کوکب فائز**
حسین خنیفر*** / علی اصغر پورعزت****
غلامرضا جندقی*****

چکیده

بررسی جریان‌های سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که اندیشه، گاه با به خدمت گرفتن زبان، از آن به مثابه ابزاری برای دستیابی به مقاصد خویش استفاده می‌نماید. توسعه و ترویج اندیشه عدالت‌ورزی نیز از این امر مستثنی نبوده و با این الگوپردازی، قابل پیاده‌سازی است. زبان می‌تواند در خدمت عدالت و به منزله ابزاری برای اشاعه آن مورد استفاده قرار گیرد؛ گام اول در این امر، تعریف و تبیین اصول مبنایی زبان، مبتنی بر بنیادها و بن‌مایه‌های اصلی عدالت است که نتیجه آن تسری عدالت در سطح جامعه و عجين شدن آن با فرهنگ عامه مردم خواهد بود. این پژوهش در همین رابطه و با هدف شناسایی و تبیین نقش زبان و سیستم زبان‌شناختی در ترویج و توسعه عدالت، با استفاده از روش تحلیل محتوای متون، احادیث و روایات اسلامی و مصاحبه با خبرگان و متخصصان حوزه علوم اسلامی، انجام گردیده و در نهایت، ارتباط بین سیستم زبان‌شناختی و توسعه عدالت در سازمان، در قالب مدل مفهومی ترسیم شده است.

واژگان کلیدی

عدالت، عدالت زبانی، نظام ارزشی اسلام، مدل مفهومی.

alvani@globalization.ac.ir

faez_k61@yahoo.com

khanifar@ut.ac.ir

pourezzat@ut.ac.ir

jandaghi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۲۷

*. استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

**. دانش آموخته دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران.

***. استاد دانشگاه تهران.

****. استاد دانشگاه تهران.

*****. استاد دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۷

طرح مسئله

عدالت و اجرای آن از نیازهای اساسی و فطری انسان است که همواره زمینه‌ساز رشد و توسعه جوامع انسانی بوده است. نظریات مربوط به عدالت، به موازات گسترش و پیشرفت جامعه بشری، تکامل یافته و دامنه آن از نظریات ادیان و فلاسفه، به تحقیقات تجربی کشیده شده است. امروزه با توجه به نقش فراگیر و همه‌جانبه سازمان‌ها در زندگی اجتماعی و استفاده از جملات، اصطلاحات و گاه فرهنگ لغت‌های خاص، نقش عدالت در قالب مفهوم جدید عدالت زبانی، بیش‌ازپیش آشکارتر شده است. سازمان‌های امروزی، مینیاتوری از جامعه بوده و تحقق عدالت زبانی در آنها به منزله تحقق عدالت، در سطح جامعه است. عدالت زبانی به‌عنوان یکی از ابعاد عدالت سازمانی و ذیل عدالت مراوده‌ای مطرح می‌شود. در عدالت زبانی، ساخت زبان و ماهیت مراودات افراد در سطوح گوناگون بایستی عادلانه بوده، رفتارهایی عادلانه را در میان افراد جامعه ترویج نماید. مطالعه و بررسی اولیه عدالت، در متون فلسفی غرب، بیانگر آموزه‌ها و دعاوی گوناگون و گاه متعارضی است. (پورعزت و الوانی، ۱۳۸۳: ۷-۶) به‌نظر می‌رسد که هریک، از زبان خویش، لباسی بر تن عدالت دوخته و آن را به‌مثابه بهترین نسخه به جهانیان ارزانی داشته‌اند.

اصول منطقی و مبنایی آموزه‌های برخی از مکاتب فلسفی - سیاسی درباره عدالت (همان: ۷-۶)

ردیف	مکتب	اصول منطقی مبنایی
۱	لیبرالیسم	آزادی حق همه انسان‌هاست و هیچ‌کس حق ندارد، آزادی دیگری را محدود سازد.
۲	سوسیالیسم	انسان‌ها موجوداتی برابرند و باید برابر بمانند.
۳	لیبرال دموکراسی	- انسان‌ها موجوداتی برابرند و باید برابر بمانند. - انسان‌ها حق دارند از آزادی برخوردار باشند و هیچ‌کس حق ندارد، آزادی دیگری را محدود سازد.
	الف) قراردادگرایی	آمیزه آزادی و برابری انسان‌ها براساس یک قرارداد اجتماعی تعیین می‌شود و اعتبار می‌یابد.
	ب) فایده‌گرایی	آمیزه آزادی و برابری انسان‌ها به‌گونه‌ای تعیین می‌شود که سود و فایده نهایی اجتماع را به حداکثر افزایش دهد.
۴	ج) اصول اخلاقی گفتمان	آمیزه آزادی و برابری انسان‌ها براساس پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده در گفتمان‌های اخلاقی - سیاسی تعیین می‌شود.
	اجتماع‌گرایی	- عدالت آن است که متضمن خیر و مصلحت عامه باشد.
۵	زنانه‌نگری (فمنیسم)	- عدالت مستلزم رعایت برابری کامل زن و مرد است.
۶	فرانوگرایی	- حقوق و تکالیف افراد و مفهوم عدالت، برحسب مقتضیات ویژه هر محل، به‌صورت محدود تعریف می‌شود.
۷	تقدیرگرایی	- هر آنچه رخ دهد، مصداقی از عدالت است.

بررسی آموزه‌ها و مقایسه دعاوی مکاتب غرب نشان می‌دهد که استفاده از واژگان، اصطلاحات و مفاهیم خاص (سیستم زبانشناختی) تا چه اندازه می‌تواند یک مفهوم واحد (عدالت) را متفاوت جلوه دهد. در این میان، ملاک تشخیص حقیقت عدالت چیست؟ برای نیل به مقصود، لازم است ابتدا با مراجعه به متون دینی خود، به دو سؤال اصلی پاسخ دهیم:

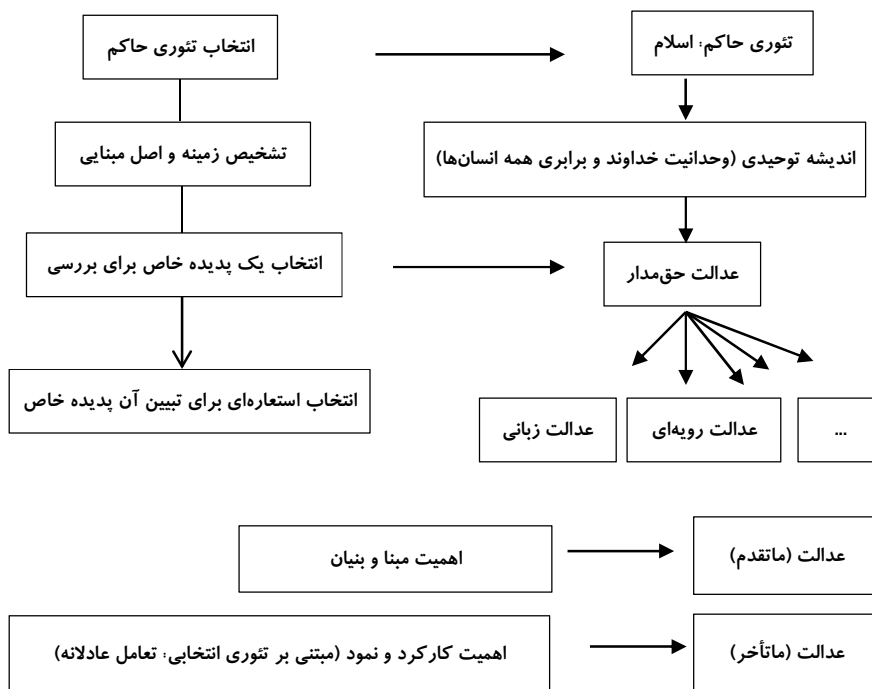
۱. در نظام ارزشی اسلام برای بسط اندیشه عدالت، از چه سیستم زبانی استفاده می‌شود؟

۲. ارتباط بین سیستم زبان‌شناختی و توسعه اندیشه عدالت‌ورزی و نتایج آن، در سازمان‌های امروزی چیست؟

نقش تئوری در تبیین درست پدیده‌ها

گروهی تبیین عدالت را از بطن طبقه‌بندی‌های اجتماعی می‌جویند و به عدالت مارکسیستی می‌رسند. حال اگر تئوری حاکم، اسلام باشد، میناها نیز به تبع از اسلام گرفته خواهد شد. جستجو در فرهنگ و تئوری حاکم بر غرب، برای تأیید میناهای اسلامی کاری عبث و بیهوده است و خود منجر به تفکری التقاطی می‌شود. هنگامی که عدالت را بر مبنای حق تعریف کنیم؛ جامه‌ای غیر از آنچه مارکسیست‌ها، سوسیالیست‌ها و یا سایر مکاتب فلسفی بر عدالت پوشانده‌اند، بر آن دوخته‌ایم؛ و از این منظر هر آنچه را که بنگریم معنایی تازه خواهد یافت.

نمودار نقش تئوری حاکم در تبیین مفاهیم و پدیده‌ها (محقق ساخته مبتنی بر مطالعات منطقی)



همان طور که نمودار فوق نشان می‌دهد، جهان‌بینی حاکم بر تئوری‌ها، بر مشاهده واقعیات تأثیر می‌گذارند. دو فرد با دو تصویر ذهنی، یک واقعیت واحد را یکسان نمی‌بینند. هیچ حادثه‌ای، عریان، که برای همه افراد، یک معنا داشته باشد، یافت نمی‌شود. هرکس خیاطی درونی دارد که بر اندام پدیده‌ها، جامه‌ای از تفسیر می‌پوشاند و آن‌گاه این موجود «جامه بر تن کرده» است؛ که به سرای ذهن وارد می‌شود. هرکس همواره با داشتن مسئله و فرضیه‌ای گزیده، دست به حل و پاسخ یافتن آن می‌زند، به عبارت دیگر علم‌گزینی است. (سروش، ۱۳۸۶: ۸ - ۷)

سیستم زبان‌شناختی عدالت در نظام ارزشی اسلام

الف) عدالت در قرآن کریم

در قرآن، دو واژه «عدل» و «قسط» مکرر به کار رفته است. واژه «عدل» در ۱۴ مورد و مشتقات آن هم در ۱۴ مورد و کلمه «قسط» در ۱۵ مورد و مشتقات آن هم در ۱۰ مورد به کار رفته است. از مفهوم «عدل» در این آیات، به چهار معنا می‌رسیم:

۱. عدل به مثابه رفتار یا کنش فردی و اجتماعی؛
۲. عدل به مثابه مبنا و اساس امور دیگر؛
۳. عدل به مثابه ملکه و صفت افراد و گروه‌ها؛
۴. عدل وجودی یا عدل فلسفی که اساس خلقت و آفرینش است. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

ب) عدالت در سیره نبوی

نبی مکرم اسلام ﷺ در تبیین مفهوم عدل، بیشتر به دنبال تناسب، اعتدال و برابری حقیقی بود که در رفتار انسانی بروز و ظهور می‌کند. اصول عدالت از منظر ایشان عبارتند از:

برابری و یکسانی انسان‌ها در اصل و اساس؛ «الْأَناسُ سَوَاءٌ كَأْسَانٍ الْمَشْطُ؛ مردم همانند دانه‌های شانه با هم برابرند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۱۰۸)

آزادی مبتنی بر برابری نوع انسانی؛ همه انسان‌ها در اصل خلقت، با هم برابرند و در سایه اختیار و آزادی برابر، حق تعیین سرنوشت خود را دارند. حضرت رسول ﷺ سیادت و آقایی تک‌تک آدمیان را در قالب این حدیث بیان می‌فرماید که «كُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ سَيِّدٌ، فَالرَّجُلُ سَيِّدٌ أَهْلِهِ، وَالْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا؛ هریک از فرزندان بنی‌آدم دارای سیادت هستند، مرد فرمانروای کسانش و زن فرمانروای خانه‌اش است.» (پاینده، ۱۳۶۰: ۴۶۰، ح ۲۱۷۷)

اخوت و برادری؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات / ۱۰) یکی از لوازم عدالت، برابری و برادری است که اگر در روابط اجتماعی، مورد توجه قرار گیرد دهها حق دیگر را به دنبال می‌آورد.

دیگرخواهی و توجه به مصالح عمومی؛ یعنی با دیگران یکی شدن و دیگران را مثل خود دیدن و خود را همچون دیگران دیدن. «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ؛ بهترین مردم کسی است که بیشتر به دیگران نفع برساند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۳۱۹)

مهرورزی و دوست داشتن انسان‌ها؛ آن حضرت علیه السلام پس از ایمان، مهم‌ترین اساس و بنیان عقل را مدارا و دوستی با مردم می‌دانند. «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَ اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ؛ اساس خرد پس از ایمان به خداوند، دوستی و نیکوکاری با همه مردم است.» (پاینده، ۱۳۶۳: ۲۷)

رسول خدا صلی الله علیه و آله معیار عدالت اخلاقی (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۹ / ۱۷۱) را با ساده‌ترین شیوه بیان نموده‌اند: «گذشتن از منافع فردی یا فردنگری» عادل در مرحله عدالت اوسط (اخلاقی) به مصالح عمومی می‌اندیشد و یکسان‌انگاری، یکسان‌نگری و یکسان‌رفتاری، بین خود و دیگران را دنبال می‌کند؛ از این‌رو، پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب، همواره در نگاه، گفتار و کردار با عدالت بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللهِ يَقْسِمُ لِحِطَّاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۴۷) و از همه مهم‌تر، کلام مبارک حضرت درباره عدالت اخلاقی است که فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ أَخْلَاقٍ.» (حکیمی، ۱۳۸۸: ۸ / ۳۸۲)

خداوند متعال درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَ از روی هوا و [هوس] سخن نمی‌گوید».^۱ در قرآن کریم خدای متعال آن حضرت را امر به اقامه عدل می‌کند.^۲ به نظر می‌رسد اجرای عدالت مهم‌ترین وظیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که برای تحقق آن، مأمور به استقامت نیز هست.^۳

کاربرد نوع سیستم زبانی به تفکیک انواع عدالت منجر شده است و از همین‌رو در پژوهش‌های علمی عدالت‌محور بر مفاهیم و ویژگی‌هایی خاص از عدالت تأکید می‌شود:

مقایسه معانی و مفاهیم ابعاد گوناگون عدالت در ساحت کلان جامعه

(Pourezzat, 2009: 11)

منابع	معنی و مفهوم	بعد	ردیف
Rawls, 1999; Greenberg & Baron, 2000	ایجاد شرایطی که کلیه کالاهای و خدمات اجتماعی به‌طور عادلانه و بدون تبعیض میان کلیه افراد ذی‌حق جامعه توزیع شود.	عدالت توزیعی	۱
Rawls, 1999; Greenberg & Baron, 2000	ایجاد شرایطی که با تعریف صریح قوانین، رویه‌ها و فرآورده‌های اجتماعی، امکان هرگونه سوءاستفاده از آنها توسط گروه‌های قدرتمند سلب شود.	عدالت رویه‌ای	۲

۱. وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. (نجم / ۳)

۲. وَأَمِرْتُ لَأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ. (شوری / ۱۵)

۳. فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ. (هود / ۱۱۲)

ردیف	بعد	معنی و مفهوم	منابع
۳	عدالت مرادهای	ایجاد شرایطی که کلیه مراودات اجتماعی بدون کمترین اجبار و تحمیل، تداعی‌کننده حرمت و احترام برابر آحاد جامعه باشد.	Greenberg & Baron, 2000
۴	عدالت اطلاعاتی	ایجاد شرایطی که همه آحاد جامعه به‌طور برابر و یکسان به اطلاعات مهم و ضروری دسترسی داشته باشند و هیچ‌یک به‌خاطر دسترسی به اطلاعات ویژه، در شرایط ممتاز قرار نگیرد.	Pourezzat & others, 2009
۵	عدالت احساسی	ایجاد شرایطی که افراد در ابراز احساسات عادلانه خود با مانعی مواجه نشوند و حتی‌المقدور عقده‌ای روانی ناشی از تحقیر و خودکم‌بینی برطرف گردد.	Pourezzat & others, 2009
۶	عدالت مشاهده‌ای	ایجاد شرایطی که هیچ‌یک از آحاد جامعه در شرایط مشاهده‌بی‌عدالتی از سوی دیگران قرار نگیرد.	Sahifeh Sajadieh Pourezzat, 2008 a
۷	عدالت زبانی	اصلاح ساخت زبان و توانمندسازی زبان‌شناختی جامعه، به‌طوری که ضعیف‌ترین آحاد جامعه بتواند بدون لکنت زبان، حق خود را از قوی‌ترین عناصر اجتماعی بازستاند.	نهج‌البلاغه، نامه ۵۳. Pourezzat, 2008 a

مفهوم‌شناسی عدالت زبانی

در این نوع از عدالت، ساخت زبان و ماهیت مراودات افراد در داخل سازمان و در سطوح گوناگون می‌بایست عادلانه بوده، رفتارهایی عادلانه را در میان آنان ترویج نماید. در این بعد از عدالت بر جنبه‌های روانی مراودات، تأکید شده و نوع واژگان و اصطلاحات متداول بین افراد، مدنظر قرار می‌گیرد. واژگانی که ممکن است علی‌رغم تداول و پذیرفته شدن در جامعه، موجب نوعی تبعیض و نابرابری در اعماق فرهنگ جامعه باشد. (فائز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۰)

جملاتی نظیر این جمله که «فقط امتی پاکیزه است، که در آن حق زیردست بدون لکنت زبان از فرادست بازستانده شود»^۱ و باور به آن، ساخت اجتماعی ویژه‌ای را ایجاد می‌کند که ظلم کردن در آن بسیار دشوار خواهد شد. این مفهوم به‌صورت ایجابی بر ضرورت تجهیز زبان به آموخته‌ها و گزاره‌های عدالت‌گرایانه تأکید می‌کند. شواهد و یافته‌ها (همان: ۱۲۳ - ۱۲۲) نشان می‌دهند که رواج ادبیات غیرعادلانه، ذهن را برای پذیرش رفتارهای ظالمانه مستعد می‌سازد و آنچه بر ذهن مستولی می‌شود، در عمل خود را نشان می‌دهد. (Pourezzat, 2009:14)

۱. لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعِنٍ. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

عدالت زبانی و اصالت کرامت انسانی

اصل قرآنی «کرامت انسان»^۱ و ایده دینی «عمل متقابل»^۲ را بایستی دو رکن مفهوم اسلامی عدالت زبانی دانست. اصل کرامت انسان به عنصر اساسی عمل متقابل، مبنایی رسمی می‌بخشد. یک نظام و سازمان عادل، بایستی از کرامت شهروندان و اعضا خود به نحو یکسان حراست نماید. کرامت در قرآن امری واقعی است نه اعتباری؛ یعنی هنگامی که بپذیریم انسان، گوهری با کرامت و ارزشمند است؛ خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی و امنیت و نظایر آن حق اوست؛ بلکه باید به گونه‌ای تفسیر، تنظیم و تدوین شوند که با کرامت وی سازگار باشند. (علیخانی، ۱۳۸۸: ۳۹۰)

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَ اللَّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَأَتَهُمْ صِنْفَانِ: أَمَّا أَحْ كَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ در دل خویش مردم را دوست داشته باش، برای مردم چون درنده‌ای نباش؛ چون آنها دو صنف‌اند: یا برادر دینی تواند یا اگر مسلمان نیستند در خلقت مانند تو یک انسانند. لازم به ذکر است که در «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» انسان به‌ما هو انسان شرافت دارد؛ کرامت، ذاتی است حتی اگر فرد کافر باشد، چون انسان است و نزد خداوند احترام دارد، بایستی شأن وی حفظ شود. لذا استفاده از واژگان و کلماتی که به هر نحو او را مورد تحقیر و شماتت قرار دهند، یا موجب تنزل شأن او شوند، ممدوح و ناپسند تلقی می‌شود.

روش تحقیق

در این پژوهش به‌منظور بررسی ارتباط بین سیستم زبان‌شناختی و اندیشه عدالت‌ورزی و ترسیم ماتریس ارتباط، به‌صورت جزئی از روش تحلیل محتوا^۳ و در مرحله ارائه مدل از روش مصاحبه (مراجعه به خبرگان اسلامی) استفاده شده است. بدین‌صورت که متون، آیات و روایات اسلامی و منابع مرتبط، بررسی و با استفاده از جدول مبنای مستندات، کدبندی گردیده و از ارتباط بین مقوله‌ها، اجزاء «ماتریس عدالت زبانی» استنتاج شد. سپس با تشکیل پانل خبرگان متشکل از ۸ نفر متخصصان حوزه علوم دینی و مصاحبه با آنان، ارتباط بین اجزای ماتریس، تحلیل و روابط اصلاح گردید. در نهایت، نتیجه در قالب مدل مفهومی مبتنی بر نظام ارزشی اسلام ارائه شد.

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و به یقین، فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا، [بر مرکب‌ها] سوار کردیم و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم، کاملاً برتری دادیم. (اسراء / ۷۰)

۲. هرگز به عدالت نخواهید رسید مگر آنچه را برای خود دوست دارید، برای مردم هم دوست بدارید. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۲۳: ۴۰ / ۳۵)

3. Content Analysis.

جدول مبنایی مستندات مدل پژوهش؛ مفاهیم، مبانی، کارکردها (فائز، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

ردیف	مفهوم	ابعاد تحلیل	عینیت	مستندات	منابع	ملاحظه
۱	عدالت	تفاوت	مداری	در هر چیزی، بخش ثابتی است که آن حق است و تعریف عدالت نیز به تعریف حق موکول می‌شود.	علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۵ - ۱۳	
				تعریف عدالت مبتنی بر تعریف حق	عیوضلو، ۱۳۸۵: ۵۷ - ۵۴	
				وضع کل شیء فی موضعه	نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷	
				اعطا کل ذی حق حقه	سبزواری، ۱۳۷۵: ۵۴	
				احقاق حقوق به ذی حقان	ابن مسکویه به نقل از: عیوضلو، ۱۳۸۵: ۵۵	
				اصل جبران	خواجه نصیرالدین طوسی به نقل از: عیوضلو، ۱۳۸۵: ۵۵	
				اعطا مبتنی بر اهلیت	فارابی، به نقل از: عیوضلو، ۱۳۸۵: ۵۶	
				تصمیم‌گیرنده آنچه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران نیز بی‌پسندد؛ به‌گونه‌ای که راضی شود جای خود را با طرف یا طرف‌های دیگر که برای آن تصمیم گرفته است عوض کند.	پاینده، ۱۳۶۳: ۶۶	
			تعال و برابری	وجه آرمانی عدالت، بیانگر ضرورت ایجاد تعادل و برابری در کلیه مناسبات است. تعادل در دو سطح فردی و اجتماعی	علیخانی، ۱۳۸۸: ۱۷۰	
				خدای سبحان عدالت را به‌منظور تأمین اطمینان و آرامش دل‌ها لازم نمود.	دشتی، ۱۳۸۷: ۱۰۲	
				برابری مبتنی بر توحید	پورعزت، ۱۳۸۸: ۱۴۹	
				برابری و یکسانی انسان‌ها در اصل و اساس: «الناس سواء کأستان المشط» مردم مانند دانه‌های شانه با هم برابرند.	مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۱۰۸	
				عدالت به‌معنای استواء؛ به‌معنای میانه، وسط، برابری، مساوی بودن و تعادل	طه / ۵ مریم / ۴۳ اعلی / ۲ فیومی، ۵۳ - ۵۱ راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۲۵	

ملاحظه	منابع	مستندات	عینیت	ابعاد تحلیل	مفهوم	ردیف
	حکیمی، ۱۳۸۸: ۸ / ۳۸۲	عادل در مرحله عدالت (اوسط اخلاقی) به مصالح عمومی می‌اندیشد و یکسان‌انگاری و یکسان‌نگری و یکسان‌رفتاری بین خود و دیگران را دنبال می‌کند.				
	مطهری، ۱۳۸۵: ۱ / ۲۴۷-۲۴۶	رعایت توازن در اجتماع				
	پیامبر اکرم ﷺ به نقل از علیخانی، ۱۳۸۸: ۴۸۱	کسی که در تعامل با مردم ظلم نمی‌کند و درگفتار با ایشان دروغ نمی‌گوید و در وعده با آنها تخلف نمی‌کند، از کسانی است که مروت و بزرگ‌منشی‌اش کامل و عدالتش ظاهر شده است.				
	امام صادق ﷺ به نقل از: همان	هنگامی که فرد چشم از محارم می‌پوشاند و زبانش را از گناه و دستش را از مظالم برمی‌کشد، عدالت در او تحقق یافته است				
	باطنی، ۱۳۸۵: ۱۴	زبان دستگاهی است نظام‌یافته از علائم آوایی که ارزش آنها به‌وسیله اجتماع تعیین شده است و گوینده و شنونده برای ایجاد ارتباط بین خود، از ارزش قراردادی این علائم استفاده می‌کنند.	واژگان و اصطلاحات:	نهاد	زبان	۲
	Geeraerts, 1995: 35-38	زبان‌شناسی شناختی: رویکردی که زبان را وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند.				
	Tiberghien, 1989: 31-39	مکالمه معمولی از طریق اصل هم‌کوشی ^۱ هدایت می‌شود. این اصل می‌گوید: سهم خود را در مکالمه، درست و دقیق ادا کنید.				
	گلفام و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۱	نظریه کنش گفتار: درک و تفسیر مفاهیم، در بافت کلی متن انجام می‌شود.	ارتباطات تعامل و	کارکرد		
	Lakoff, & Johnson, 1980: 58-71	الگو برداری مبدأ - مقصد				
	نهج البلاغه، خطبه ۸۳	شَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ: بدترین گفتار، سخن دروغ است.	واژگان حق مدار	بنیاد- بنیاد	رابطه بین زبان و عدالت	۳
	جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۲	عدل به‌مثابه مبنا و اساس امور دیگر				
	تمیمی آمدی، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۴۱	اللِّسَانُ تَرْجُمَانُ الْعَقْلِ: زبان مترجم عقل است.				

1. Cooperative Principle.

ردیف	موضوع	ابعاد تحلیل	عینیت	مستندات	منابع	ملاحظه
		کارکرد - کارکرد	تغافل مفهرم به تجربگی	الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ: مرد، در زیر زبانش نهفته است.	همان: ۳۳	
				مبادا هراس از مردم مانع از آن شود که فردی از شما حق را ببیند و نگوید ...	فاضل هندی، ۱۳۸۹: ۹۲۳	
				هیچ امتی پاکیزه نخواهد شد مگر اینکه در آن، حق زیردست بدون لکنت زبان از فرادست بازستانده شود.	نهج البلاغه، نامه ۵۳	
				ساخت زبان و مجموعه واژگان نباید مجالی برای توسعه ظلم فراهم سازد	Pourezzat, 2009: 12	
				توانمندی زبان‌شناختی: مبنی بر اینکه بایستی شرایطی فراهم گردد تا همه افراد بتوانند بدون دشواری‌های زبانی، حق خود را از دیگران بازپس گیرند و از موقعیت مناسب و متعادلی در مقایسه با دیگر آحاد اجتماعی برخوردار گردند.	Ibid: 12	
				عدل به مثابه رفتار یا کنش فردی و اجتماعی	جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۲	
۴	تأثیر زبان بر عدالت	آب - آزار - اندیشه	تفسیری واژگان حالت موردی موردی موردی	هنگامی وضعیت جامعه عادلانه تلقی می‌شود که همه آحاد جامعه، از توانمندی زبان‌شناختی قابل توجهی برخوردار باشند.	Pourezzat, 2009: 13	
				زبان ساخت ذهن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین رواج ادبیات غیرعادلانه، ذهن را برای پذیرش رفتارهای ظلمانه مستعد می‌سازد و آنچه بر ذهن مستولی می‌شود، در عمل خود را نشان می‌دهد.	Ibid: 13	زبان به‌عنوان ابزار و عدالت به‌عنوان اندیشه
				واژه‌ها مانند برفی که همه‌جا را پوشانده باشد، بر سطح مفاهیم و معانی سایه می‌افکنند و با برجسته‌سازی موارد غیر ضرور و پنهان کردن جزئیات، ما را فریب می‌دهند. ما بیشتر به دنبال عبارت‌پردازی هستیم تا ارائه تصویر واقعی و روانی از رویدادها.	Orwell, 1946: 252	
				همان‌طور که افکار، زبان را تخریب می‌کند؛ زبان هم می‌تواند افکار را تخریب کند. استفاده نادرست از زبان و واژگان	Ibid	

ملاحظه	منابع	مستندات	عینیت	ابعاد تحلیل	توجه	ردیف
		به‌وسیله سنت و تقلید، گسترده می‌شود و رواج می‌یابد؛ به‌نحوی که اذهان عموم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.				
	Pourezzat, 2009: 14	مبرا بودن زبان از واژگان تملق‌بار یا تبعیض‌آمیز و تحقیرکننده، و اصرار مردم بر اجتناب از آنها، بر ظرفیت توسعه عدالت زبان‌شناختی و به‌تبع آن، ابراز رفتارهای عادلانه و توسعه عدالت اجتماعی می‌افزاید.				
	Wittgenstein, 1967: 170-175	ساخت زبان، بیانگر نحوه اندیشیدن ما در خصوص عالم واقعی است؛ یعنی زبان، ابزاری برای فهم واقعیت است. زبان بسته به منافع افراد استفاده‌کننده از آن، کاربردهای گوناگون می‌یابد که من آن را بازی‌های زبانی می‌نامم. زبان حقیقت‌گو یکی از این بازی‌های زبانی است.				
	Ibid	زبان مجموعه‌ای ناهمگن از بازیهای زبانی بسیار است که هریک دارای قوانین خاص خود هستند و شرکت در این بازیهای زبانی نوعی فعالیت اجتماعی است. زبان ابزاری است که می‌توان برای اهداف مختلف آن را به‌کار گرفت و معنای یک گزاره، از الفاظ و اجزای آن به‌دست نمی‌آید، بلکه از کاربرد گوینده اخذ می‌شود.				
	Alston, 1964: 15	کنش حین بیانی: کاری که متکلم با مضمون سخن خود انجام می‌دهد.				
	Lyotard, 1989: 68-69	تمام بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای غیر انسانی زمانی رخ می‌دهند که یک بازی زبانی بر سایر بازی‌ها مسلط و چیره می‌شود. مکانیزم غلبه و سلطه، از طریق اجماع کلی و همگانی بودن آن اعمال می‌شود. محتوای استدلال نیز تحت تأثیر عواملی چون شأن قدرت اعتبار و تشکیلات قرار خواهد گرفت. بنابراین، اجماع مبنای مشروعیت نیست. وضعیت اجتماع برساخته‌ای از حرکات				

ملاحظه	منابع	مستندات	عینیت	ابعاد تحلیل	تجزیه	توصیف
		زبانی است. روایت‌های جهانی عقلانیت و آزادی. بهانه‌هایی بوده‌اند تا قدرت‌های غربی به استعمار دیگر کشورها بپردازند.				
	لیونارد، ۱۳۸۴: ۱۷	عدالت بایستی جایگزین اجماع شود. ما بایستی به معنا و عملکردی از عدالت دست یابیم که ارتباطی با عملکرد و اجماع نداشته باشد.				

ماتریس عدالت زبانی

عدالت زبانی را می‌توان مبتنی بر تعامل بین زبان و عدالت ارزیابی و تشریح نمود که مبتنی بر رابطه بنیاد - کارکرد بین این دو مفهوم، تعریف و ساختار معنایی تازه‌ای شکل می‌گیرد. (فائز، ۱۳۹۰: ۷۳ - ۶۷)

رابطه بنیاد - کارکرد: ازجمله موضوعات مهم در فلسفه شناخت، پاسخ‌گویی به این سؤال است که در مقام ارزیابی مفاهیم و مقولات، استواری مبانی مهم است یا صحت نتایج؟ اقبال به «نظریه‌های نتیجه‌محور» درواقع به تقویت «رویکرد عمل‌گرایانه»^۱ منجر می‌شود. حال آنکه تأکید بر «صحت مبانی» نوعی آرمان‌گرایی را پدید می‌آورد؛ که از درون آن «مدینه فاضله» سر بر می‌آورد. با این توضیح مشخص می‌شود که جایابی مفاهیم در هریک از این دو دسته می‌تواند، در تعیین ارزش کاربردی آن مؤثر باشد. به عبارتی در تحلیل مفاهیم نمی‌توان وجه بنیادی و کارکردی مفاهیم را نادیده گرفت.

ماتریس عدالت - زبان: در ارتباط با زبان و عدالت نیز تفکیک فوق، بسی راهگشا خواهد بود. بدین‌صورت که می‌توان به ماتریس چهارخانه‌ای از موقعیت عدالت و زبان دست یافت؛ که بین هر وجهی از آن نوعی از مناسبات تعریف می‌شود.

شکل (۱): ماتریس عدالت - زبان

(محقق ساخته مبتنی بر مطالعات نظری و خبرگی داده‌بنیاد)

زبان	عدالت	ابعاد تحلیل
واژه‌ها، گفتار (۱)	حق (۲)	بنیادی
ارتباطات و تسهیل تعامل (۳)	تعادل (۴)	کارکردی

اصول بنیادین زبان در توسعه عدالت

خانه یک ماتریس بیانگر اصول زیر در مناسبات بین عدالت - زبان می‌باشد: (همان)

1. Pragmatism.

استفاده از زبان برای نیل به عدالت ضرورت و اولویت دارد؛ چراکه بدون استفاده از واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم، نمی‌توان عدالت را از انتزاع خارج و در جهت اجرای آن، گام برداشت. در صورتی که زبان، تأثیرپذیری لازم و مطلوب در راستای عدالت را بر اندیشه و رفتار نداشته باشد، خود به عاملی مخرب تبدیل شده و موجبات بی‌عدالتی را فراهم می‌آورد. زبان در صورت عدم رعایت اصل برابری، صرفاً به عاملی برای بیان اعتراض تبدیل شده و بروز جنبش‌های عدالت‌خواهی (بدون رفع تبعیض) را سبب خواهد شد. مبتنی بر اصول بالا، مشخص می‌شود که وجه بنیادی عدالت با وجه بنیادی زبان تلازم دارد؛ چراکه اعاده حق افراد، مبتنی بر به‌کارگیری اصطلاحات و مفاهیم است. واژگانی که علاوه بر عادلانه بودن، بنیان‌های زبانی را نیز تشکیل می‌دهد.

اصول بنیادین عدالت در استفاده از زبان

حق (خانه شماره ۲ ماتریس) را باید از اصیل‌ترین مفاهیمی ارزیابی نمود که در تعریف کلیه مناسبات، تأثیرگذار است. این مفهوم، معرف اصول زیر در نسبت عدالت - زبان است. (همان)

عدالت از حیث مفهومی، بر زبان مقدم است؛ لذا درک و استفاده از «واژگان مناسب» بدون داشتن اندیشه‌ای حق‌مدار غیر ممکن است. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

عدالت در صورتی که خاستگاهی غیر از اندیشه و رفتار داشته باشد، استمرار نمی‌یابد و در نتیجه به‌طور مستمر به چالش کشیده می‌شود؛

عدالت در صورت عدم تأمین برابری و تعادل در جامعه به عاملی غیر کارکردی تبدیل می‌شود که در نهایت، بروز بی‌ثباتی و تبعیض‌های طبقاتی را سبب خواهد شد.

کارکرد زبان در توسعه عدالت

تسهیل تعامل و ارتباطات به‌منزله یکی از کارکردهای زبان شناخته شده است که خود از طریق تأثیری که بر افکار، اندیشه‌ها و رفتار افراد پدید می‌آورد، دنبال می‌شود. اصول برآمده از این مفهوم عبارتند از: (فائر، ۱۳۹۰: ۷۳ - ۶۷)

۱. زبان بدون استفاده از اصطلاحات و واژگان کارکردی نیست؛
۲. زبان بدون توجه به اندیشه حق‌مدار و تبیین مفهوم حق، در راستای نیل به عدالت کارکردی نخواهد بود؛
۳. استفاده از زبان بدون تأمین اصل برابری در روابط، جهت تحقق عدالت کارکردی نخواهد بود.

کارکرد عدالت بر مبنای زبان

وجه آرمانی عدالت و غایت نهایی آن در جامعه، مبتنی بر ایجاد تعادل (خانه ۴ ماتریس) در کلیه مناسبات

است. اصول محوری قابل استخراج از این اصل، در تقابل و تعامل با دیگر خانه‌های ماتریس عبارتند از:

۱. عینی نمودن مفهوم انتزاعی عدالت بدون استفاده از واژگان مناسب و عادلانه، مبتنی بر اندیشه حق‌مدار امکان‌پذیر نیست؛

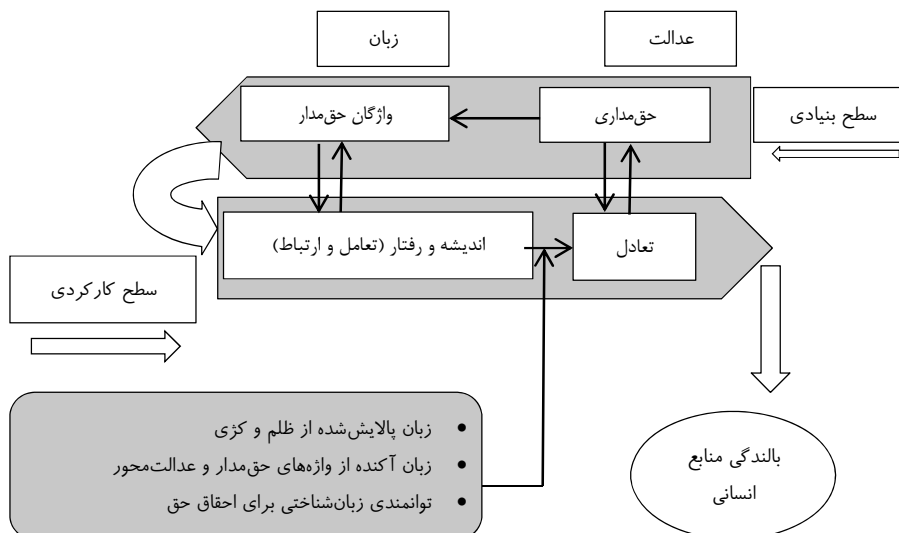
۲. عدالت بدون توجه به تعریف حق قابل تبیین نیست؛

۳. با تسهیل غایت‌نهایی و آرمان عدالت که همان تعادل در مناسبات است، می‌توان عملاً به ترویج و توسعه اندیشه و رفتار عادلانه در سطح جامعه پرداخت.

مبتنی بر اصول فوق می‌توان نتیجه گرفت که آرمان عدالت هم‌سو و هم‌راستا با آرمان زبان و در نهایت توسعه و ترویج تعاملات همگون خواهد بود. بررسی و تحلیل نتایج و ارتباط بین اجزاء ماتریس با ۸ نفر از خبرگان، در نهایت به ترسیم ارتباط بین سیستم زبانی و توسعه اندیشه عدالت منجر شد؛ به‌زعم خبرگان پژوهش، چنانچه روابط و اجزای مدل به‌صورت صحیح در سازمان پیاده شوند، اولین نتیجه مؤثر، توسعه و بالندگی منابع انسانی خواهد بود.

شکل (۲): ارتباط بین سیستم زبان‌شناختی و عدالت‌ورزی در سازمان

(محقق ساخته براساس مطالعات نظری و خبرگی) (فائز، ۱۳۹۰: ۷۱)



نتیجه

در نظام ارزشی اسلام، عدالت بر محور حق و حقیقت، تعریف می‌شود. حقیقتی مطلق و به دور از هرگونه نسبی‌گرایی که انسان در هر جایگاه، مقام و یا هر سطحی از توان و امکانات که باشد، می‌تواند به مراتبی از

آن دست یابد. در این نظام اصل توحید، گزاره زیربنایی سیستم است. مبتنی بر این اصل، همه افراد و آحاد انسانی، برابر بوده و این شأن برابر، ناشی از رابطه برابری است که هریک با خالق خود دارند. پذیرش این امر، متضمن پذیرش حق و احترام برابر و حقوق اجتماعی یکسان خواهد بود که ناظر بر شأن اولیه و کرامت انسانی آنهاست؛ کرامتی که ممکن است به زینت تقوا، علم و عمل آراسته شده و مراتب بالایی از درجات انسانی را برای او احراز کند و یا دستخوش بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی واقع شده، تنزل یافته و با جلوه‌هایی دور از شأن انسانی، مخدوش و از میان برود.

همچنان که گفته شد مجموعه واژگان و اصطلاحاتی که برای تفهیم و تفاهم به‌کار برده می‌شود (زبان)، بازتابی از شیوه تفکر و اندیشه آدمی است و به‌طور حتم مؤثر بر سلوک و رفتار. چراکه گفتار و رفتار انسان آینه اندیشه اوست (آدمی در پشت زبان خویش پنهان است). واژگان، کلمات و زبانی که استفاده می‌کنیم به‌ندرت خنثی و عاری از ارزش بوده و اغلب آمیخته با مفاهیمی چون قدرت، برتری و القا سلسله‌مراتب و شأن اجتماعی هستند؛ به‌همین دلیل زبان ابزار قدرتمندی در تبیین مفروضات افراد جامعه، درباره چگونگی سامان‌یافتن جهان و شیوه‌های تغییر دادن آن به‌شمار می‌رود.

برای اصلاح رفتار یک جامعه و طرح‌ریزی آن برپایه حق و عدل، لازم است تا اندیشه اصلاح و به‌تبع آن عدالت در زبان و اندیشه تک‌تک اعضای جامعه جاری و ساری شود و زبان جامعه اصلاح و پاکیزه گردد. (تقوی زبانی) اگر زبان و ساختار زبانی و فرهنگی یک جامعه، عدالت‌محور باشد؛ توسعه رفتارهای عادلانه نیز به‌تبع بیشتر خواهد بود. استفاده از عناوین و القاب باعث می‌گردد تا تفاوت طبقاتی القا شود. مبتنی بر این القا، کنش و واکنشی تحقق می‌یابد. چون این کنش و واکنش متأثر از عناوین و القاب انتخاب شده است؛ عنصر برابری که از اصول اولیه نظام ارزشی اسلام است، حلقه مفقوده خواهد بود و شاهد تعاملی عادلانه نخواهیم بود. به‌عبارت دیگر، کلمات دارای دو جنبه توصیفی و ارزیابی هستند. استفاده از القاب و عناوینی چون فراماسونر، نخبه، خبره و نظایر آن با لحاظ نمودن جنبه‌های ارزیابانه، متضمن تفکیک حداقل دو گروه است: اول، گروهی که دارندگان عناوین و القاب خاص هستند و بنابراین شایسته احترام و تقدس و دوم، گروهی که فاقد شرایط لازم برای احراز و اطلاق القاب مدنظر می‌باشند و بنابراین بسته به نوع القاب استفاده شده، تلویحاً شعور، آگاهی و بلوغ لازم برای انجام فعل متناسب با آن عنوان را نخواهند داشت. شرط لازم پاکیزگی زبان، توحید در اندیشه است. تنها یک اندیشه توحیدی (حق‌مدار) است که مبتنی بر نگاه یکسان، می‌تواند رفتاری برابر، با دیگران داشته باشد. علاوه‌براین، تا اندیشه توحیدی نشود، زبان پاکیزه نمی‌گردد و به‌تبع عدالت فراگیر نمی‌شود. شرط کافی برای پاکیزگی زبان، افزایش سطح بلوغ و آگاهی آحاد جامعه است. شرایط محیطی و فرهنگی برای عدالت‌پذیری نیز بایستی فراهم گردد. مسئله دیگری که بسیار حائز اهمیت است، ایجاد و ترویج فرهنگی حساس است، به‌نحوی که به استفاده از کلمات و واژگان ناصحیح، سریعاً واکنش نشان دهد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه / امام علی علیه السلام، ۱۳۷۹، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد نهج البلاغه و دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. ابن شعبه حرانی، ابومحمد، ۱۴۲۳ ق، تحف العقول عن آل الرسول، شرح الشيخ حسن الاعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۴. باطنی، محمدرضا، ۱۳۸۵، زبان و تفکر: مجموعه مقالات زبان‌شناسی، تهران، آگاه، چ ۸.
۵. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج الفصاحه، کتابخانه دیجیتال مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیه السلام.
۶. پورعزت، علی اصغر و سید مهدی الوانی، ۱۳۸۳، «مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق‌مدار (براساس نهج البلاغه)»، دانشور رفتار، ویژه مقالات مدیریت ۲، تهران، دانشگاه شاهد، ش ۵.
۷. پورعزت، علی اصغر، ۱۳۸۷، مختصات حکومت حق‌مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد، ۱۳۸۴، غررالحکم و دررالکلم، شرح محقق بارع جمال‌الدین محمد خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
۹. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۰، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، شهید صدر و امام خمینی علیه السلام، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۰. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۸، الحیاء، قم، انتشارات اسلامی.
۱۱. دشتی، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام (نهج الحیاء)، تهران، انتشارات برگزیده.
۱۲. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، ۱۳۸۵، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق مرعشی، بی‌جا، انتشارات طلعه نور.
۱۳. سبزواری، ملاهادی، ۱۳۷۵، شرح الاسماء الحسنی، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ دوم.
۱۴. سروش، عبدالکریم، ۱۳۸۶، علم چیست؟ فلسفه چیست؟، تهران، انتشارات صراط، چ ۱۶.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۶، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی.
۱۶. علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۸، درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، دوره دو جلدی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ ۱.
۱۷. عیوضلو، حسین، ۱۳۸۵، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۸. فائز، کوکب و دیگران، ۱۳۹۱، «مفهوم‌شناسی تطبیقی عدالت زبانی»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)، دانشگاه تربیت مدرس، دوره سوم، ش ۱، ص ۱۲۶ - ۱۱۳.

۱۹. فائز، کوکب، ۱۳۹۰، *طراحی و اعتباربخشی مدل عدالت زبانی در بالندگی منابع انسانی مبتنی بر نظام ارزشی اسلام*، رساله دکتری مدیریت دولتی، گرایش منابع انسانی، دانشگاه تهران.
۲۰. فاضل هندی، علاء الدین علی بن حسام، ۱۳۸۹ ق، *کنز العمال*، تصحیح صفوة السقا، بیروت، مكتبة التراث الاسلامی، ط ۱.
۲۱. فیومی حموی، احمد بن محمد، ۷۷۰ ق، *مصباح المنیر*، کتابخانه دیجیتال مؤسسة تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
۲۲. گلفام، ارسلان و دیگران، ۱۳۸۱، «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، *مجله تازه‌های علوم‌شناختی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۶۴ - ۵۹.
۲۳. لیوتار، ژان فرانسوا، ۱۳۸۴، *وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش*، ترجمه حسین علی نوزری، تهران، نشر گام نو.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث، ط الثالثة.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *یادداشت‌های استاد مطهری*، دوره ۱۲ جلدی، تهران، انتشارات صدرا.
26. Alston, William.P, 1964, *Philosophy of Language*, Englewood Cliffs, Prentice-Hall.
27. Geeraerts, D. ,1995, *Cognitive linguistics: Handbook of pragmatics* , Amsterdam: J. Benjamin Pub. Co.
28. Lakoff, G & Johnson, m, 1980, *Metaphors we Live by*. University of chicago, chicogo university press.
29. _____, 1980 , *Metaphors we live by* ,Chicago University Press.
30. Lyotard, J. F,1989, *The Postmodern Condition: A Report on Knowledge*, trans. Geoff Benington and Brain Massumi , Minneapolis, University of Minnesota Press.
31. Orwell .G, 1946, "Politics and the English Language", *Horizon* , Vol. 13, No. 76 , pp.252-265, Ed. Cyril Connolly, Available online at <http://www.panarchy.org/orwell/language.1946.html>
32. Pourezat, Ali .A, 2009, *The Importance of Linguistic Justice for Continues Revision of Good Governance*, Annals, funiversity of Bucharest, Economic and Administrative series, Nr, 1023, pp. 101-121, Ebsco.
33. _____, 2008, *characteristic of truth-oriented justice, in the light of imam ali's nahjolballagha*, Tehran, elmi and farangi, co in Persian.
34. _____, 2002 a, *characteristics of Truth-oriented Justic*, in The light of Imam Akis Nahjolballagha, Tehran, Elmi & farhakgi, co in persian.
35. Tiberghien, G, 1989, *Advances in cognitive science: Theory and applications*, Chichester (Ed.), UK: Horwood & Wiley.
36. Wittgenstein. L,1967, *Philosophical Investigations*, 3rd, ed. edited by Anscombe.G, Rhees. R, & Wright. G, Blackwell, Oxford

